



موسیقی چسورانده!

گفت و گو با

بسیاری که از طنز نسی دار اهنک هایش در امان
نمانده اند او را از نقطه های تاریک موسیقی امروز
می دانند اما در مقابل دوستداران رب کلام ساده
و طنز کویان کار هایش را بحسین می کنند و از آن
لذت می برند وقتی در اهنک « My name is
خیلی ها را بد باد انقاد و تمسخر گرفت مخالفان
بیش از گذشتند از را سرزنش کردند و گفتند -
اهنک هایش معنی و مفهوم و محتوایی ندارد اما
او خود را خواننده ای موفق و رب را سبکی فانیل
نوجه از موسیقی می داند که بد ندر یج هویت خود
را مشخص می کند

EMINEM



پیشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



پروپشکاه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی
پرتال جامع علوم انسانی

هیاهوی تازه



وقتی موسیقی

بلای جان فیلمساز شد!

موسیقی متن فیلم

چگونه شکل گرفت؟

بیوگرافی‌های زیادی از بیتلز را مطالعه می‌کرد و حتی در موقع نوشتن فیلمنامه‌اش نیز به موسیقی آنان گوش می‌داد. در این فیلم شون پن (Sean Penn) نقش یک معلول ذهنی را بازی می‌کند که در تلاش است تا از دختر خردسالش نگهداری کند.

فیلم «من سام هستم» اشاره زیادی به گروه بیتلز دارد. به ویژه زمانی که پن رابطه خودش را با دخترش را همان گونه که پل مک‌کارتی و جان لنون به یکدیگر نیاز داشتند، مقایسه می‌کند. نلسون می‌گوید: «هرگاه که شخصیت پن در طول داستان دچار تغییر می‌شد، او به یاد بیتلز می‌افتاد.» وقتی ما مشغول نوشتن صحنه‌ای بودیم که پن دخترش را در آغوش می‌گیرد، فکر کردیم که با توجه به ترانه‌های بیتلز، چه نامی برازننده شخصیت این دختر است؟ جولیا! پرودنتس! لوسی!

در این دهه اخیر، تجارت موسیقی متن فیلم‌ها، منبع درآمد گسترده‌ای برای کمپانی‌های ضبط موسیقی شده است. هنوز هم فیلم‌سازی وجود دارند که از موسیقیدان‌های بزرگ برای ساختن موسیقی فیلم خود استفاده می‌کنند. به عنوان مثال پاول توماس اندرسون (Paul Thomas Anderson) از

جسی نلسون (Gessie Nelson) قبل از این که ساخت فیلم «من سام هستم» (I Am Sam) را شروع کند، چندین ماه در بیمارستانی متعلق به معلولین و عقب‌ماندگان ذهنی به نام Center Goal در شهر کالور (Culver) در مورد وضعیت این افراد، بررسی و تحقیق می‌کرد. تا این که سرانجام موفق شد فیلمنامه دلخواهش را بنویسد و کارگردانی آن را نیز بر عهده بگیرد. چندان طولی نکشید که نلسون در رفت و آمدهایش به آن مرکز متوجه وجه اشتراکی بین بیماران آنجا شد: تقریباً همه بیماران از طرفداران پر و پا قرص بیتلز بودند و آنها همیشه در حال صحبت کردن در مورد ترانه‌های بیتلز بودند و به ترانه‌های آنها به عنوان معیار و ملاکی برای زندگیشان می‌نگریستند؛ زمانی که یکی از بیماران با هم اتاقی‌اش در بیمارستان دچار اختلاف می‌شد، به خودش می‌گفت: «جان و پل هم چنین مشکلاتی داشته‌اند.»

نلسون و دستیارش، کریستین جانسون (Kristine Johnson) چنان تحت تاثیر علاقه بیماران Center Goal به بیتلز قرار گرفتند که این شیفتگی و شیدایی‌شان نسبت به بیتلز را موضوع و دستمایه اصلی فیلم خود قرار دادند. نلسون



وجود ایمی من (Aimee Mann) در موسیقی فیلم «ماگنولیا» و کامرون کرو (Cameron Crowe) از گروه‌های موردعلاقه‌اش از سیاتل در موسیقی فیلم «هجرت‌دها» بهره برده است. در حال حاضر، بسیاری از گروه‌های موسیقی نیز اقدام به ساخت موسیقی متن فیلم‌ها نموده‌اند از جمله گروه پراوازه متالیکا که برای ساخت آهنگی برای فیلم «ماموریت غیرممکن ۲» یک میلیون دلار دریافت کرد و کمپانی MGM که به خاطر استفاده از ترانه (It, s a beautiful day) گروه U2 در تبلیغات تلویزیونی و سینمایی فیلم «راهزنان» (Bandits) پانصد هزار دلار به این گروه جنجالی پرداخت کرد.

نلسون برای استفاده از ترانه بیتلز به تایید آنان احتیاج داشت. پل مک کارتنی و یوکونو (Yoko ono) همسر جان لنون که وکالت منافع و حقوق لنون پس از مرگش را برعهده دارد، فیلم نلسون را مشاهده و از آن استقبال کردند.

نلسون تلاش بسیاری کرد تا با جرج هریسون و رینگو استار گفتگویی داشته باشد، ولی موفق به انجام این کار نشد و در ضمن نمی‌دانست که کمپانی نیولاین درصدد است تا این فیلم را برای کریسمس آماده سازد. از این رو تصمیم گرفت تا خوانندگان دیگری را برای بازخوانی ترانه بیتلز، به خدمت بگیرد. بازخوانی ترانه‌ها، بدین معنا بود که نلسون احتیاجی به اجازه بیتلز نداشت. بلکه او باید از کمپانی موسیقی سونی که مسئولیت انتشار موسیقی بیتلز با آنها بود، اجازه کسب می‌کرد. و بدین ترتیب نلسون برای ضبط آلبوم حاشیه صوتی فیلمش به چندین کمپانی ضبط موسیقی رقت تا این که عاقبت با کمپانی V2 به توافق رسید. البته اندی گرشان (Andy Gershon) مدیر کمپانی V2، علاقه چندایی به این کار نداشت. ولی با دیدن این فیلم، به قدری تحت تاثیر قرار گرفت که در این باره می‌گوید: «این فیلم، احساسات خاموش و نهفته درون انسان‌ها را بیدار

می‌کند.»

پرل جم (Pearl Jam) اولین گروهی بود که برای بازخوانی یکی از ترانه‌های بیتلز به نام got to Hide Your Love Away Hey, Yove با کمپانی V2 قرار دارد امضا کرد و همچنین، پس از آنها گروه Wallflowers ترانه را با You lam Looking Through بازخوانی کرد.

نلسون از ۸ ترانه بیتلز در فیلمش استفاده کرده است و در ضمن آلبوم حاشیه صوتی این فیلم که شامل ۱۶ ترانه می‌باشد قرار است ژانویه امسال توسط کمپانی V2 منتشر شود. برای کسب حق انتشار ترانه بیتلز، نلسون باید چندین میلیون دلار هزینه می‌کرد ولی کمپانی به وی اجازه داد تا با صرف مبلغی کمتر از یک میلیون دلار از ترانه‌های بیتلز، استفاده کند.

کمپانی V2 همچنین مقرر کرد خوانندگانی که ترانه بیتلز را بازخوانی کرده‌اند مبلغی کمتر از دستمزدهای عادی‌شان دریافت کنند.

وس اندرسون (Wes Anderson) کارگردان فیلم خانواده سلطنتی تن باوم Royal Tenebaums می‌گوید: قبل از نمایش این فیلم در فستیوال اخیر فیلم نیویورک من به تماشاچیان توضیح دادم که چندین موسیقی کلیدی و مهم فیلم هنوز مشخص نشده‌اند، تا این که هفته گذشته، معلوم شد که وضعیت دو ترانه بیتلز در فیلمش - Hey Jude که فیلم با آن آغاز می‌شود و You, relooking Through me که فیلم با آن به پایان می‌رسد - هنوز مشخص نیست. اندرسون می‌گوید: «هن این دو صحنه فیلم را بر اساس این ترانه‌ها نوشتم و حالا نمی‌دانم بدون آنها چه باید بکنم؟ به نظر من، استفاده به موقع و بجا از موسیقی می‌تواند نقش بسزایی در پیشبرد و کیفیت فیلم، داشته باشد.»





لوس آنجلس آمده بود تا در کنار خانواده همسرش باشد. با مرگ جرج تنها مک کارتنی و رینگو استار برجای مانده‌اند. جان لنون (John Lennon) عضو دیگر گروه توسط یکی از طرفداران پریشان خود با شلیک گلوله‌ای در سال ۱۹۸۰ کشته شد. در دهه طفیان ۶۰ گروه بیتلز با جای دادن چهار شخصیت متفاوت در خود همه چیز را از مدل مو گرفته تا دنیای موسیقی، تحت تأثیر قرار داد.

بیان جنابیت‌های جرج مشکل است. مثل جان باهوشت‌ترین فرد گروه نبود. پل (Paul) خوش تیپ‌ترین و رینگو (Ringo) دوستانه‌ترین بودند. هریسون شخصی درویش و در عین حال حرفه‌ای بود. از دیگر خصوصیات او دمدمی مزاج بودن بود که وی را محبوب هوادارانش کرده بود. ادنا مک دونالد (Edna McDonald) چهل و نه سال دارد. اعضای این گروه را از زمان نوجوانی و وقتی در شهر بریستول (Bristol) در انگلیس اجرا داشتند به یاد می‌آورد. او و

پل مک کارتنی (Paul McCartney) او را برادر کوچکش می‌خواند و یکی از طرفدارانش وی را شخصی آرام، متین و قدرتمند برشمرد. جامعه موسیقی و هواداران او در روز جمعه برای او عزاداری کردند. مک کارتنی در پاسخ به خبرنگاران گفت که واقعاً افسرده و ناراحت است. او از هریسون به عنوان شخصی فوق‌العاده دوست داشتی، شجاع و شوخ طبع یاد کرد. او جوان‌ترین فرد گروه بود. هریسون در خانه یک دوست در لوس آنجلس بعد از جدال طولانی با مرگ در کنار همسرش اولیویا (Olivia) و پسر بیست و چهار ساله‌اش دانی درگذشت. جرج دنیا را همانطور که در آن زندگی کرده بود شجاع، آرام و با ایمان ترک کرد. به گفته خانواده‌اش، سفارش همیشگی او به آنها جستجو برای یافتن خدا و عشق ورزیدن به یکدیگر بوده است. او در آخرین سالهای عمر خود با چند نوع مختلف سرطان دست به گریبان بود و اوایل امسال نیز به علت یک تومور مغزی تحت پرتو درمانی قرار گرفت. وی دو هفته پیش از این واقعه به



پیشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 رتال جامع علوم انسانی

درسه‌های زندگی

HA



در اواخر دهه ۶۰ هریسون از همراهی با دیلن و گروه بیتلز در ووداستاک (wood stock) به دور از بازی‌ها و بدخواهی‌هایی که برای کم اعتبار کردن این گروه صورت گرفته بود به گرمی یاد می‌کرد.

هریسون به همراه دیلن، پتی، روی اوربیسن (Roy orbison) و لین به منظور انجام چند ضبط غیررسمی، گروه دوستانه دیگری به نام تراولینگ ویلبریز (Traveling Wilburys) را به طور موقت تشکیل دادند. وی با دوستان خوبی از جمله یکی از قهرمانان دوران جوانی‌اش مثل اوربیسن، یکی از هنرمندان هم‌عصر او در دهه ۶۰ به نام دیلن و یکی از پرکارترین اعضای گروه به نام لین کار می‌کرد.

به نظر می‌رسد هریسون با پیوستن به این گروه ترکیب دلخواه خود را از گروه بیتلز بدست آورده بود. گروهی از دوستان هنرمند که بدون توجه به کسب شهرت دور هم جمع شده بودند. هریسون مثل کلبتون و جیمی هندریکس گیتاریست درجه یک نبود اما

دوستانش مک کارتنی را به عنوان خواننده محبوب خود انتخاب کرده بودند. او خود شیفته هریسون بود.

مک دونالد از او به عنوان شخصی آرام و متفاوت یاد کرد و گفت «برای او خیلی احترام قائل بودم. همیشه آرامش او من را تحت تأثیر قرار می‌داد و به من یاد داد که یک نفر می‌تواند در عین حال آرام، مؤدب و قدرتمند باشد.

همزمان با خبر فوت وی، یکی از آهنگهای گروه بیتلز از رادیو پخش شد و هواداران سوگوارش به احترام او با دسته‌های گل به در خانه‌اش جمع شدند.

هریسون به توجه مردم اهمیت نمی‌داد. او بیشتر ترجیح می‌داد نوازنده خوبی باشد تا یک ستاره موسیقی. در سابقه کار گروه

هیچ کس مثل او این چنین مؤثر نبود. هم‌دوره‌ای‌هایش از با او بودن لذت می‌بردند. جرج به اریک کلاپتن (Eric Clapton)، باب دیلن (Bob Dylan)، تام پتی (tom petty)، و جف لین (Jef lynne) خیلی نزدیک بود.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
مرکز جامع علوم انسانی

جرج هریسون

GEORGE





مثل چاک بری (Chuck berry) و کارل پرکینز (Carl perkins) کار ویژه‌ای را ارائه می‌داد.

او در آهنگ سالی قد بلند (Long tall Sally) به سبک راک می‌خواند و یا در اثر «چیزی» (Some thing)، آرام و رویایی ظاهر می‌شود.

صدای پر سرو صدای گیتار ریکن بیکر (Rickenbacker) او در اثر شب یک روز سخت (A Hard Day's Night) طوری خودنمایی می‌کند که گروه بردز (Byrds) در استفاده از این ساز در زمینه آهنگ زاک فولک خود (Mr. Tambourine Man) الهام پذیرفته است. با وجود تأثیرپذیری او از گروه مک کارتین در نوشتن آهنگها، هریسون کارهای کلاسیکی چون «اینجا خورشید طلوع می‌کند» (Here Comes the Sun) و «چیزی» را ارائه داد. او به نئون جوان نیز نواختن گیتار را آموزش داد. تخیلات عمومی هریسون در اولین آهنگ او برای گروه بیتلز به نام «هنو اذیت مکن» (Don't Bother me) خلاصه شده است. البته این آهنگ در آلبوم دوم این گروه قرار دارد.

استار (starr) عضو دیگر گروه گفت که جرج یکی از بهترین دوستان او بوده است و اینکه جای خلاقیت موسیقی و شوخ طبعی او در میان ما خالی خواهد ماند.

بعد از پاشیده شدن گروه بیتلز در سال ۱۹۷۰، آوازه موفقیت هریسون گهگاهی به گوش می‌رسید. او علاوه بر اثر (the traveling wilburys) کنسرتی را برای بنگلادش در شهر نیویورک سازماندهی کرد.

وی همچنین اقدام به تولید فیلمهایی از جمله (Life of Brain) ساخته مانتی پیتون (Monty python) کرده است. هریسون در ۲۵ فوریه سال ۱۹۴۳ در لیورپول در یک خانواده شش نفره به دنیا آمد. پدرش میهماندار سابق یک کشتی و مدتی نیز راننده اتوبوس بود. جرج در سن سیزده سالگی برای اولین بار گیتار خود را به دست گرفت و در محیط مدرسه با پل مک کارتنی دوست شد. مک کارتنی او را به نئون معرفی کرد. نئون در آن زمان

گروهی به نام (Quarry men) را تأسیس کرده بود.

هریسون اجازه داشت چنانچه هر کدام از گیتاریست‌ها نبودند در گروه حاضر شود

نئون گفت «وقتی من جذب گروه شدم، اوحتی نواختن گیتار را هم نمی‌دانست. جرج یک گیتار کوچک سه سیمه داشت که بیشتر شبیه بانجو بود. در واقع من به او گیتار زدن را یاد دادم. البته او هم از اینکه توسط یک عضو کوچک گروه آموزش می‌دید مخالفتی نداشت. من و جان از خیلی قبل دوستان صمیمی‌ای بودیم»

در اواخر سال ۱۹۶۶ بعد از این که گروه سفرهایی را انجام داد. هریسون برای آموختن ساز سیتار از راوی شانگار (shankar Ravi) به هند رفت.

هریسون در ۱۹۶۷، بقیه اعضای گروه را به ماهانشی ماهش یوگی (Mahanishi Mahesh Yogi) معرفی کرد تا در کلاسهای مدیتیشن او حاضر شوند. او تنها کسی بود که کلاسهای دیگر وی را دنبال کرد. میک زگر (Mick Jagger) گفت «او اولین نوازنده‌ای است که در زمینه تعالی روح نیز کار کرده است» میک جگر که در ابتدا علاقمند به همراهی با گروه بیتلز برای شرکت در این کلاسها شده بود خیلی زود علاقه‌اش را از دست داد. او گفت «در اواخر دهه ۶۰، هریسون واقعاً از کار کردن با گروه خسته شده بود و در جریان ضبط اثر «بگذار که باشد» (let it be) علناً با مک کارتنی جروبحث می‌کرد. بعد از اینکه

اعضاء گروه از هم جدا شدند، هریسون در ضبط آهنگ «مدل» (Badge) که توسط گروه «Plastic ono» اجرا شد با کلیتون همکاری داشت و یکی از پر استقبال‌ترین کارهای تک‌خوانی خود را در آلبوم «همه چیز هم بگذرد» (All things Must pass) ارائه داده است.

انتشار این اثر در سال ۱۹۷۰ با استقبال بی‌نظیری از سوی هواداران هریسون رو به رو شد. او نشان داد که شایستگی جایگاهی بالاتر از ارائه یک نقش کمکی در گروه بیتلز را داشته است او در سال ۱۹۷۸ با همسرش (Olivia Arias) ازدواج کرد. یک سال بعد وی کمپانی (Handmade Films) را به منظور تولید فیلم «حیات مغز» (Life of Brain) تأسیس کرد. جرج این کمپانی را به مبلغ ۸/۵ میلیون دلار در سال ۱۹۹۴ فروخت. با وجود کم اهمیت بودن دنیای خاکی از دید هریسون، او همچنان به مسیر اصلی زندگی خود یعنی موسیقی راک اهمیت می‌داد.

سرنوشت به دنبال شکار هریسون بود، در سال ۱۹۹۹ چندین بار توسط مردی که وارد خانه او شده بود با ضربات چاقو مجروح شد. او فکر کرد که این گروه شیاطین هستند و تصور می‌کرد که برای کشتن هریسون مأموریت الهی دارد، که البته بعد به علت جنون تبرئه شد. اما سرنوشت به دنبال ثروتمند کردن او نیز بود. یک سال بعد وی با مجموعه‌ای از تک آهنگهای درجه یک گروه بیتلز در آلبوم «یک» (1) روبه رو شد که میلیون‌ها کپی آن به فروش رسید.

هریسون در پاسخ به خبرنگاران گفت «چیزی که من را خوشحال می‌کند این است که این کار مورد علاقه جوانان قرار گرفت. من فکر می‌کنم که این موسیقی محبوب فوق‌العاده است و زندگی جدیدی به جوانان می‌دهد.



جرج هرریسون و کنسرت پینگلادش



و مرگت به بود بخت و غمت را
تعمیر کرد و تخته آن زمین و خلدت
تعمیر کرد خرد و هفتاد بود که با به
نواخته است.

در سال ۲۰۱۶ در لندن به نخستین بار
در نظر پینگلادش در یک تور اجرا کرد. و با
همراهی یک گروهی که با نام جرج هرریسون
دیده می شود. جرج هرریسون در آن زمان ۷۰
سالگی بود. این تور به نفع خیریه بود.
مجموعه موسیقی پینگلادش در سال ۲۰۱۶
در لندن به نخستین بار اجرا کرد. و با
همراهی یک گروهی که با نام جرج هرریسون
دیده می شود. جرج هرریسون در آن زمان ۷۰
سالگی بود. این تور به نفع خیریه بود.

جرج هرریسون این کنسرت با نام پینگلادش
در لندن به نخستین بار اجرا کرد. و با
همراهی یک گروهی که با نام جرج هرریسون
دیده می شود. جرج هرریسون در آن زمان ۷۰
سالگی بود. این تور به نفع خیریه بود.

جرج هرریسون این کنسرت با نام پینگلادش
در لندن به نخستین بار اجرا کرد. و با
همراهی یک گروهی که با نام جرج هرریسون
دیده می شود. جرج هرریسون در آن زمان ۷۰
سالگی بود. این تور به نفع خیریه بود.

در آن زمان که به یاد تمام جوانان
هریسون می آید. سال ۲۰۱۶ در لندن
به نخستین بار اجرا کرد. و با
همراهی یک گروهی که با نام جرج هرریسون
دیده می شود. جرج هرریسون در آن زمان ۷۰
سالگی بود. این تور به نفع خیریه بود.

جرج هرریسون این کنسرت با نام پینگلادش
در لندن به نخستین بار اجرا کرد. و با
همراهی یک گروهی که با نام جرج هرریسون
دیده می شود. جرج هرریسون در آن زمان ۷۰
سالگی بود. این تور به نفع خیریه بود.

جرج هرریسون این کنسرت با نام پینگلادش
در لندن به نخستین بار اجرا کرد. و با
همراهی یک گروهی که با نام جرج هرریسون
دیده می شود. جرج هرریسون در آن زمان ۷۰
سالگی بود. این تور به نفع خیریه بود.

جرج هرریسون این کنسرت با نام پینگلادش
در لندن به نخستین بار اجرا کرد. و با
همراهی یک گروهی که با نام جرج هرریسون
دیده می شود. جرج هرریسون در آن زمان ۷۰
سالگی بود. این تور به نفع خیریه بود.